

مقاله پژوهشی

آزمون تجربی رابطه‌ی آنومی نهادی و جرائم خشونت‌آمیز در ایران

علی فیض‌اللهی^{*۱}سعید معیدفر^۲پروانه دانش^۳امیر ملکی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

چکیده

خشونت، رفتاری آسیب‌زننده به دیگری است و تحقیقات مختلفی نقش متغیرهای اجتماعی را در وقوع آن نشان داده‌اند. خشونت در تمامی شکل‌های آن یکی از مسائل اجتماعی ایران امروز است. به طوری که آمارهای مربوط به جرائم خشن در دهه‌ی گذشته و نیز نتایج تحقیقات نشان می‌دهند که جرائم خشونت‌آمیز در سال‌های اخیر به اشکال و صور متعدد افزایش یافته است. لذا این پژوهش با هدف تبیین جامعه‌شناختی جرائم خشونت‌آمیز براساس مؤلفه‌های نظریه آنومی نهادی طراحی شده است تا در پرتو آن، تبیینی از جرائم خشن را ارائه دهد. در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل ثانویه، داده‌های استانی دو دهه اخیر مربوط به نهادهای اجتماعی و جرائم خشونت‌آمیز مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که حمایت تجربی از رویکرد نظریه آنومی نهادی در ایران در حد متوسطی است و در بین سازه‌های تعریف شده برای تبیین جرائم خشونت‌آمیز، اختلال و ضعف نهاد خانواده و اختلال در نهاد اقتصاد بیشترین تأثیر را دارند؛ اما احتمالاً متغیرهای آشکار انتخاب شده برای سنجش میزان ضعف در دو نهاد دیگر، توان تبیین کافی نداشته‌اند. نتیجه‌ی تحقیق، گزاره‌های نظریه آنومی نهادی مبنی بر بالا رفتن میزان جرائم خشونت‌آمیز در نتیجه‌ی ضعیف شدن نهادهای غیراقتصادی را تأیید می‌کند. بدین معنا که رابطه نهادهای غیراقتصادی با جرم مثبت بوده است. در نتیجه می‌توان گفت که نتایج نشان‌دهنده‌ی اختلال و ضعف نهاد خانواده و نیز اختلال در نهاد اقتصاد بر تعادل نهادی قدرت است و می‌توان ادعا نمود که جامعه ایران با نوعی ناموزونی و عدم تعادل نهادی قدرت و به تبع آن رشد جرائم خشن مواجه است.

کلید واژه‌ها: جرائم خشونت‌آمیز، آنومی نهادی، تعادل نهادی قدرت، سرقت، قتل.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه ایلام

۲- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

۳- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور تهران غرب

۴- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور تهران

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه و بیان مسئله

پدیده خشونت یکی از مسائل اجتماعی است که بسیاری از جوامع با آن مواجه هستند و البته میزان فراگیری آن در جوامع مختلف متفاوت است. چنانکه در سال ۲۰۱۴، در سراسر جهان ۴۷۵۰۰۰ نفر از طریق قتل جانشان را از دست داده‌اند که نرخ قتل به ازای هر یکصد هزار نفر ۶/۷ نفر بوده است» (برنامه توسعه سازمان ملل، ۲۰۱۴: ۱۱). همچنین، آمار نزاع‌ها در ایران از رشد زیادی برخوردار بوده است و این موضوع می‌تواند بحرانی و قابل تأمل ارزیابی شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

در تحقیقاتی که در مورد خشونت در ایران صورت گرفته است، عمدتاً متغیرهای احساس آنومی، احساس محرومیت نسبی، تعلق به جامعه قبیله‌ای، خاستگاه خانوادگی (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۱)؛ انسجام اجتماعی، تقسیم به گروه خودی و غیرخودی، مسئله‌ی ناموسی، جامعه‌پذیری (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۷)؛ پرخاشگری و قوم‌گرایی (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۴)؛ عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی (مسعودی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۷)؛ موردبررسی قرار گرفته‌اند. همچنین، یوسفوند (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی رابطه‌ی جرائم خشونت‌آمیز (قتل، ضرب و جرح، سرقت و ...) در بین استان‌های ایران را با توجه به نابرابری موجود در بین آن‌ها بررسی کرده است. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد که نرخ قتل و جرح با متغیرهای نابرابری اجتماعی و اقتصادی رابطه معنی‌داری داشته‌اند.

یکی از مؤلفه‌های مهم اقتصادی که در بسیاری از تحقیقات در ایران (موسایی و گرشاسبی، ۱۳۸۹؛ صمدی، ۱۳۹۲؛ یحیوی دیزج و همکاران، ۱۳۹۷) به‌عنوان عاملی مهم در تبیین جرائم خشن معرفی شده است، میزان بیکاری است. نابرابری اقتصادی (ضریب جینی) و تورم عوامل اقتصادی دیگری هستند که نشانگر وجود فاصله اجتماعی بین افراد جامعه است و نقش آن در بروز جرم در تحقیقات متعددی (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴؛ مهرگان و گرشاسبی فخر، ۱۳۹۰ و چملین و کوکران، ۱۹۹۵) نشان داده شده است و به‌ویژه زمانی که با عوامل دیگری نظیر بیکاری گسترده درهم آمیخته می‌شود و حیات اقتصادی جامعه را دچار بحران می‌سازد. در وقوع جرائم و به‌خصوص سرقت و قتل (تاشیما، ۲۰۰۰) نقش مهمی ایفا می‌کند. افزون بر نقش مستقیم عوامل اقتصادی در وقوع جرم، از نظر اثر غیرمستقیمی که بر سایر متغیرهای غیراقتصادی همچون متغیرهای اجتماعی نهادی مانند آموزش، خانواده و سیاست دارند (مسر و روزنفلد، ۱۹۹۷، کیم و پرایدمور، ۲۰۰۳)، می‌توانند بر

میزان جرائم تأثیرگذار باشند. مسنر و روزنفلد (۱۹۹۷) پیامدهای ناخواسته اختلال کارکرد نهادهای غیراقتصادی از طریق تأثیرات آنومیک اقتصاد بر آن‌ها را نرخ‌های جرائم خشن می‌دانند (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۰: ۷۷). پیکوئرو و پیکوئرو (۱۹۹۸) دریافتند که روابط متکثری شامل شاخص‌های آموزشی و اقتصادی، پیش‌بین‌های مهم میزان‌های جرم مالی هستند و اثرات متعامل بین اقتصاد و سیاست و همچنین بین اقتصاد و آموزش و پرورش را بر جرائم خشن مورد تأیید قرار داده‌اند. سولیوان (۲۰۰۰) مدعی است که در کشورهایی که اقتصاد، تعادل نهادی قدرت را زیر سلطه می‌گیرد، نابرابری اقتصادی قوی‌ترین تأثیر را بر قتل خواهد داشت. کیم و پرایدمور (۲۰۰۵)، در پژوهش فقر، تغییر اقتصادی اجتماعی، آنومی نهادی و قتل؛ با هدف بررسی نظریه‌ی آنومی نهادی در روسیه در حال گذار، اثرات مستقیم مثبت فقر و تغییر اقتصادی اجتماعی و اثرات مستقیم تضعیف استحکام خانواده و سیاست بر میزان‌های منطقه‌ای قتل را نشان می‌دهند.

بروز و گسترش جرائمی نظیر سرقت، قتل و ضرب و جرح از سویی نشان از ضعف هنجاری و مکانیسم‌های کنترل اجتماعی و شرایط آنومیک در جامعه دارد و از سوی دیگر منجر به کاهش حس امنیت در بین مردم، تضعیف حس اعتماد و گسترش ناهنجاری‌های متعدد رفتاری می‌گردد. چنانکه روند تغییرات در نهاد خانواده و نسبت طلاق به ازدواج طی دو دهه گذشته نشانگر آن است که تقریباً از هر ۵ ازدواج یکی از آن‌ها به طلاق ختم می‌گردد. لذا از نظر کارشناسان، چهار موضوع عمده در ارتباط با خانواده؛ افزایش آمار طلاق، کاهش آمار ازدواج، افزایش سبک زندگی مجردی و افزایش ناهنجاری‌های جنسی بوده‌اند (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۳: ۵۲) که نشان‌دهنده تضعیف شتابان و زوال پیش‌رونده‌ی نهاد خانواده در کشور است. ضعیف شدن نهادهای اجتماعی عمده جامعه نیز می‌تواند حاکی از آنومیک شدن آن‌ها بوده و در بروز جرم نقش ایفا کنند.

همچنین، برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که جامعه‌ی ایران با انواعی از آنومی اجتماعی (رفیع پور، ۱۳۷۸) و آنومی سیاسی (رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۲: ۲۰) مواجه است. اکثر تحقیقات داخلی به تأثیر آنومی در وضعیت‌های فردی توجه کرده‌اند و درصدد بوده‌اند که چگونگی تأثیر آنومی بر نظم اجتماعی و ارتکاب جرم را نشان دهند اما در مورد آنومی نهادی در ایران تاکنون تحقیقی در سطح کلان انجام نگرفته است و به مسائل اجتماعی مرتبط با نهادهای اجتماعی که تحت تأثیر روندهای تغییرات اجتماعی در ایران همچون مدرن شدن، صنعتی شدن، شهرنشینی و بوروکراتیک شدن و ... رخ داده‌اند، تاکنون پرداخته

نشده است. به‌طور معمول بیشتر تحقیقات صورت گرفته در مورد تحلیل جرم خشونت‌آمیز براساس تئوری آنومی نهادی، در دنیای غرب بوده است و ارائه تحلیلی براساس این تئوری در نوع خود دارای ارزش معرفتی است و ایران در حال گذار، زمینه و متن مناسبی را برای آزمودن نظریه‌ی آنومی نهادی به‌طور خاص فراهم می‌کند تا کاربردپذیری آن را در یک زمینه‌ی متفاوت نیز بررسی کند؛ زیرا جامعه‌ی ایران به سبب برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و نیز به سبب انقلاب و برنامه‌های توسعه‌ی پس از انقلاب در طی نیم قرن اخیر دستخوش دگرگونی‌ها، تغییر و تحولات عمیق و گسترده دامن و بنیادینی گشته است. «جامعه ایران از نظر شکل‌بندی‌های اجتماعی به جامعه مدرن (علیرغم برخی کاستی‌ها) شباهت فراوانی دارد» (جلایی‌پور، ۱۳۹۲) زیرا در پرتو تغییرات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاصل از تجربه‌ی بیش از هفتاد سال نوسازی برنامه‌ریزی شده، روند مدرن شدن را تا حد زیادی سپری کرده است. از جمله خانواده گسترده‌ی پیشین دچار انقباض تدریجی شده و خانواده هسته‌ای از نظر بعد در سال ۱۳۹۵ به ۳/۳ نفر در خانوار تقلیل پیدا کرده است؛ حضور بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشور در مشاغل یقه‌سپیدی، اشتغال بیش از ۵۷ درصد جمعیت در مشاغل مرتبط با بخش خدمات، میزان ۷۴ درصدی جمعیت شهرنشین (مستخرج از مرکز آمار ایران، سالنامه‌های آماری)، رشد فزاینده‌ی فرایندهای فردگرایی (محمودی و ممبینی، ۱۳۹۲؛ جوادی یگانه، ۱۳۸۹؛ محمدی و پیجرانلو، ۱۳۹۲؛ محسنی، ۱۳۷۶؛ وزارت ارشاد، ۱۳۸۲؛ صیدایی و همکاران، ۱۳۸۸، دینی ترکمانی، ۱۳۸۵)، گرایش به مادی‌گرایی (اسدی و همکاران، ۱۳۵۹؛ طالبان و همکاران، ۱۳۸۹؛ عبدی و گودرزی، ۱۳۹۵؛ وزارت ارشاد، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۴) و ... همگی دال بر مدرن شدن جامعه ایران دارند. از سوی دیگر، همچون جوامع مدرن با انواع مسائل و آسیب‌های اجتماعی دست‌به‌گریبان است و با کاستی‌های بی‌شماری نظیر فقر بخش عمده‌ای از جمعیت، بیکاری مزمن و گسترده، رقم خیره‌کننده اعتیاد بیش از چهار میلیون معتاد شناسایی شده و وجود بیش از ۱۵ میلیون پرونده قضایی در محاکم دادگستری، آمار بالای سرقت، خشونت و ... شکاف طبقاتی و نابرابری اجتماعی (رفیع‌پور، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸؛ مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵؛ موسایی و گرشاسبی، ۱۳۸۹؛ صمدی، ۱۳۹۲؛ یحیوی دیزج و همکاران، ۱۳۹۷؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۴؛ مهرگان و گرشاسبی فخر، ۱۳۹۰)، بحران هویت و شکاف نسلی و ... مواجه است که نشان از کفایت شرایط جامعه برای ارائه تبیینی از منظر آنومی نهادی از رشد جرائم خشن دارد.

نگاهی به رویدادهای چهار دهه‌ی اخیر کشور نیز نشان می‌دهد که انواع خشونت روندی افزایشی داشته است که به‌نوعی احتمالاً نشان از عدم تعادل در نظام اجتماعی دارد. لذا سؤال محوری پژوهش حاضر این است که: آیا بین آنومی نهادی و خشونت در ایران نسبتی برقرار است؟ و تا چه اندازه؟

۲. مبانی نظری و تجربی آنومی نهادی

دورکیم، بر نهاد به‌عنوان مقوم و ملاط نظم اجتماعی تأکید نموده و وجود قرارداد اجتماعی را منوط به وجود جامعه‌ای با قواعد و توافق از پیش اندیشیده شده و سازمان‌یافته می‌داند. از نظر دورکیم، آنومی به ناتوانی جامعه در تنظیم مؤثر شیوه‌های کارآمد و مشروع برای تعقیب اهداف و امیال نامحدود افراد دلالت دارد که موجب فشار بر افراد و رنجیدگی خاطر، سردرگمی، آشفتگی و ایجاد حس نومیدی در آنان می‌شود و باعث می‌شود که افراد برای رسیدن به خواسته‌ها و امیالشان به انجام جرم مبادرت نمایند. به نظر دورکیم به‌طور مشخص شرایط آنومیک احتمالاً در جوامعی رخ خواهد داد که تغییرات سریع اجتماعی‌ای از جمله بحران اقتصادی و یا رونق اقتصادی شتابانی را تجربه کرده باشند و در نتیجه این تحولات شتابان نظام کنترل و انتظام‌بخش اجتماعی دچار درهم‌ریختگی شده و ناتوان از تنظیم و اعمال محدودیت بر امیال افراد باشد. وی همچنین از نوعی فرعی از آنومی تحت عنوان فقدان هماهنگی یا عدم تعادل کارکردی بین خرده‌نظام‌های اجتماعی مختلف بحث می‌کند (دورکیم، ۱۳۶۹: ۳۸۹-۳۷۰) که در هنگام تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی بسیار برجسته می‌شود که در این مقاله، این نوع از آنومی مدنظر قرار دارد.

مرتن (۱۹۶۸)، نیز مفهوم آنومی را از دورکیم (۱۸۹۷) اخذ کرده است ولیکن در تبیین مرتنی آنومی، این نظم هنجاری پذیرفته شده یا اصطلاحاً نظام تنظیم‌کننده‌ی اهداف و آرزوها نیست که فروریختن آن منجر به آنومی می‌گردد بلکه بیشتر، ابزارهای به‌کار رفته برای دستیابی به آن اهداف است که مسئله‌ساز می‌شوند. چنانکه استدلال می‌کرد که منبع جرم مبتنی بر شیوه‌های سازمان‌دهی جامعه است. مرتن استدلال می‌کرد که نظام قشربندی در ایالات متحده هم منبع نابرابری اجتماعی و هم نابرابری درآمد است. مرتن استدلال می‌کرد که «آنومی به احتمال زیاد اثر مخربی بر افراد سطوح پایین سلسله‌مراتب اجتماعی داشته باشد (مثلاً فقرا)» (مرتن، ۱۹۳۸: ۱۱۳۹) و در چنین وضعیتی است که افراد گرفتار آمده در میدان تناقضات عینی بین اقتضات فرهنگی و موانع ساختاری اجتماعی برای گریز

از ابزارهای مشروع و قانونی تحت فشار قرار می‌گیرند. از همین زاویه است که مرتن بر نقش اخلاق فرهنگی غالب در جامعه تأکید نموده و آن را در تفاوت نرخ جرم میان جوامع مختلف مؤثر می‌داند. مرتن در تحلیل آنومی به‌طور مشخص بر سویه‌ی پنهان و تاریک فرهنگ آمریکایی تأکید کرده است که به ایجاد ساختارهای هنجاری انحراف‌آفرین کمک می‌کند.

مسنر و روزنفلد نیز از این منظر مرتنی به سویه‌ی تاریک فرهنگ آمریکایی یعنی موفقیت‌طلبی مادی تحت عنوان رؤیای آمریکایی پرداخته‌اند ولیکن آنان نظریه آنومی را به فراتر از تحلیل قشربندی اجتماعی و تحلیل نظام‌های فرهنگی و اجتماعی موردنظر مرتن بسط می‌دهند و بر نقش چهار ارزش اصلی تمایل به موفقیت‌جویی، فردگرایی، عام‌گرایی و بت‌انگاری پول، تأکید دارند که زیربنای اصلی فرهنگ آمریکایی را شکل می‌دهند و تشکیل‌دهنده‌ی اخلاق فرهنگی غالب جامعه آمریکا هستند که «تأکیدی قوی بر موفقیت پولی و تأکیدی بسیار ضعیف بر ابزار قانونی دستیابی به این موفقیت دارد» (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۳). آنان، بحث آنومی نهادی را تحت عنوان تعادل نهادی قدرت مطرح می‌کنند تا نشان دهند که انحراف اجتماعی نتیجه محتوم این فرهنگ است که نه فقط طبقات پایین را بلکه کل طبقات اجتماعی را درگیر کنش‌های انحراف‌آمیز می‌سازد. آنان معتقدند که در وضعیت آنومیک، در روابط نهادهای اجتماعی نیز ممکن است عدم تعادل‌هایی رخ دهد که تسهیل‌کننده‌ی رفتارهای انحرافی باشند. این وضعیت آنومیک محصول این است که نهادهای غیراقتصادی که بایستی کنترل‌کننده تأکید افراطی بر توفیق اقتصادی باشند قدرت خود را از دست داده و تحت سلطه اهداف اقتصادی در آمده‌اند و دلایل ضعف نهادهای غیراقتصادی را موارد زیر می‌دانند: (۱) «ارزش‌زدایی از کارکردها و نقش‌های نهادی غیراقتصادی» - به‌عنوان مثال، آموزش و پرورش اغلب جهت دستیابی به یک شغل کسب می‌شود تا اینکه هدف از یادگیری به خاطر یادگیری باشد؛ به عبارتی کار کردن در سایر نهادها اولویت کمتری نسبت به مشاغل مالی و موفقیت پولی دارد. (۲) همساز شدن دیگر نهادها با نقش‌های اقتصادی - نظیر تنظیم زمان بارداری و بچه‌زایی مصادف با انتقال یا مصالح شغلی؛ - ترجیح مشاغل و مطالبات کاری و مالی بر مطالبات سایر جنبه‌های زندگی - و (۳) «سرایت هنجارهای اقتصادی به دیگر حوزه‌های نهادی» همچون «تمایل به نگرستن دانشجویان به عنوان «مشتریان» در «کسب و کار» آموزش عالی (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۷۶-۷۰). لذا زمانی که نهادی همچون اقتصاد بر سایر نهادهای اجتماعی غیراقتصادی مسلط می‌شود، تعادل نهادی قدرت نهادهای مزبور به هم می‌خورد و نهادها دیگر توانایی کنترل

رفتار مردم را مطابق با نظم هنجارین پذیرفته شده و مورد توافق از دست می‌دهند و در نتیجه، شرایط بی‌هنجاری در سطح نهادها یا آنومی نهادی رخ می‌دهد. از این‌رو، مطابق آموزه‌های دیدگاه آنومی نهادی، می‌توان گفت جرائم خشن پیامد تأثیر دوگانه‌ی فرهنگ و ساختار اجتماعی و سازوکارهای جاری در هر یک از این حوزه‌هاست. بدین نحو که در سویی‌ی فرهنگی، «تأکید بر رؤیای آمریکایی منجر به هم فشارهای شدید فرهنگی برای رسیدن به موفقیت مالی و هم افزایش در آنومی می‌شود. تسلط اقتصاد بر ساختار اجتماعی، اثر سامان‌بخش نهادهای غیراقتصادی (به‌عنوان مثال، خانواده، آموزش و پرورش و سیاست) را تضعیف می‌کند. جرائم نتیجه‌ی این تضعیف است» (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۷۸)؛ زیرا نهادهای غیراقتصادی توانایی تنظیم رفتار افراد را از دست می‌دهند و آنومی در سطح نهادی رخ می‌دهد و در نتیجه می‌تواند به افزایش میزان جرم بیانجامد.

در تحقیقات تجربی انجام شده براساس این نظریه، مسنر و روزنفلد (۱۹۹۷) با استفاده از داده‌های ثانویه‌ی نمونه‌ای مرکب از ۴۵ کشور این نظریه را آزموده‌اند. به نظر آنان در جوامعی که اقتصاد حکومت می‌کند، مقدار زیادی آنومی و در نتیجه، میزان‌های بالای میزان‌های قتل وجود داشته و استدلال می‌کنند که تسلط اقتصاد پیامدهای ناخواسته‌ای برای نهاد غیراقتصادی دارد، به‌ویژه توانایی نهادهای غیراقتصادی در انجام نقش‌هایشان از طریق تأثیرات آنومیک اقتصاد بر آن‌ها، مختل خواهد شد (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۰: ۷۷). پیکوئرو و پیکوئرو (۱۹۹۸) با تحلیل ثانویه داده‌های ۱۹۹۰، نظریه‌ی آنومی نهادی را در ایالت‌های کشور آمریکا در مورد بررسی جرائم خشن و جرائم مالی آزمودند. مدل آنان اثرات متعامل بین اقتصاد و سیاست و همچنین بین اقتصاد و آموزش و پرورش را عیان ساخت. سولیوان (۲۰۰۰) نیز از طریق بررسی میزان‌های بین ملی قتل، دریافت که در کشورهایی که اقتصاد، تعادل نهادی قدرت را زیر سلطه می‌گیرد، نابرابری اقتصادی قوی‌ترین تأثیر را بر قتل خواهد داشت. کیم و پرایدمور (۲۰۰۵)، در پژوهش فقر، تغییر اقتصادی اجتماعی، آنومی نهادی و قتل؛ با هدف بررسی نظریه‌ی آنومی نهادی در روسیه‌ی در حال گذار، نتیجه گرفتند که اثرات مستقیم مثبت فقر و تغییر اقتصادی اجتماعی و اثرات مستقیم منفی استحکام خانواده و سیاست، میزان‌های منطقه‌ای قتل را نشان می‌دهند. هاگز، شیل و گیبز (۲۰۱۵)، در مقاله «سلطه اقتصادی، رؤیای آمریکایی و قتل: بررسی بین ملی نظریه آنومی نهادی» به آزمون نظریه آنومی نهادی مسنر و روزنفلد پرداخته‌اند. آنان شاخص‌های فرهنگ و قتل را در بین نمونه‌ای از ۵۰ کشور بررسی کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند که قتل‌ها

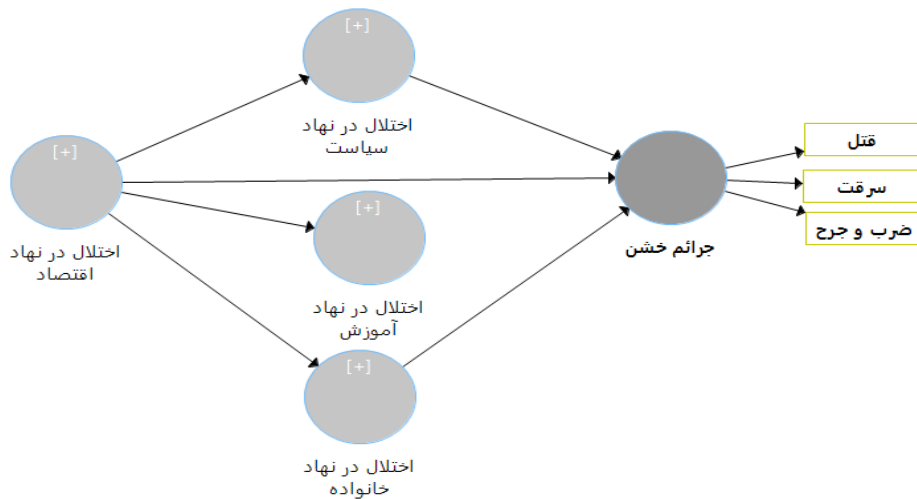
بیشتر اوقات در کشورهای رخ می‌دهند که اصول بازار آزاد و اعمال ناشی از اقتصاد و در جایی که تعهدات فرهنگی اصلی به سمت موفقیت، فردگرایی، بت‌انگاری پول و عام‌گرایی جهت یافته‌ها تنها شواهد محدودی در پشتیبانی از تز استثنانگرای آمریکایی ارائه می‌دهند.

۳. چارچوب نظری

براساس دیدگاه نظری آنومی دورکیم تغییر اجتماعی ملازم و همراه با مدرنیته است و آسیب‌های اجتماعی در هم‌زمانی برآمدن مدرنیته و وقوع تغییرات اجتماعی پر دامنه در ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه و ناهمترازی بین این دو بروز و ظهور می‌یابند. در این مطالعه از این نظر که درصد تعیین اثر مؤلفه‌های ساختاری کلان بر جرائم خشونت‌آمیز است و اینکه دورکیم بر نقش ساختارهای اجتماعی کلان و تغییرات ساختاری بر میزان‌های جرم تأکید دارد؛ به‌ویژه در مطالعه مشهورش خودکشی نشان داده است که چگونه مؤلفه‌های ساختاری و اجتماعی فرد را به ستاندن جان خویش و شکلی از خشونت علیه خود وا می‌دارد، مناسب برای استفاده در این مطالعه است.

به‌طور کلی، مفروضه‌ی اصلی این مطالعه این است که جامعه ایران به سبب مدرنیزاسیون و برنامه‌های عمرانی قبل و پس از انقلاب در طی نیم قرن اخیر دستخوش دگرگونی‌ها، تغییر و تحولات عمیق و گسترده‌دامن و بنیادینی گشته است که از جمله پیامدهای آن اختلال کارکردی و آنومی نهادی است. لذا بر آن است تا با بررسی مسئله‌ی اجتماعی جرائم خشن منتج از ناکارآمدی نهادهای اجتماعی، پنداشتی نظری فراهم آورد و امکان‌پذیری یا امکان‌ناپذیری تحلیل آن‌ها را براساس نظریه‌ی آنومی نهادی مشخص سازد. با وجود اینکه زادگاه معرفتی این نظریه در حوزه‌ی تمدنی غرب است ولیکن همچنان که در مقدمه بیان شد، شواهدی دال بر سمت‌وسوی تغییرات در ساختارهای جامعه‌ی ایران وجود دارد که می‌تواند احتمالاً دلایلی بر این باشند که بتوان از این نظریه برای تبیین و تحلیل بسیاری از مسائل اجتماعی جامعه‌ی ایران که به‌گونه‌ای با کارکردهای نهادهای اثرگذار اجتماعی که خود در معرض تغییرات عامدانه و غیرعامدانه‌ی ناشی از تغییرات و تحولات اجتماعی مبتنی بر اهداف برنامه‌های توسعه در ایران بوده‌اند، بهره گرفت. علی‌ای حال، این تحقیق درصدد است تا براساس مفروضات نظریه‌ی آنومی نهادی خشونت را نیز به‌عنوان یک متغیر وابسته مورد بررسی قرار داده و تبیینی جامعه‌شناختی از آن ارائه دهد و کاربردپذیری آن را در ایران

بررسی کند. همان‌طوری که در مدل نظری تحقیق نشان داده شده است، جرائم خشونت‌آمیز از متغیرهای نهادی مرتبط با چهار نهاد اصلی اجتماعی تأثیر می‌پذیرند. برخی از این متغیرها به صورت مستقیم و برخی دیگر به شکلی غیرمستقیم میزان خشونت را تحت تأثیر قرار می‌دهند، درحالی‌که متغیرهای اقتصادی به شکلی مستقیم بر میزان خشونت اثر می‌گذارند به شکلی غیرمستقیم نیز از طریق خانواده، سیاست و آموزش بر خشونت اثر می‌گذارند. خانواده، سیاست و آموزش درحالی‌که به شکلی مستقیم بر خشونت اثر می‌گذارند به‌عنوان متغیر میانجی اثر متغیرهای اقتصادی بر خشونت نیز ایفای نقش می‌کنند. به‌طور کلی در این مقاله، خشونت به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی از طریق منظومه‌ای از متغیرهای اقتصادی، خانوادگی، سیاسی و آموزشی تبیین می‌گردد.



نمودار ۱: مدل نظری تحقیق

۳-۱. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: به نظر می‌رسد اختلال در حوزه خانواده بر افزایش میزان جرائم خشونت‌آمیز تأثیر دارد.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد اختلال در نهاد سیاست بر افزایش میزان جرائم خشونت‌آمیز تأثیر دارد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد اختلال در نهاد آموزش بر افزایش میزان جرائم خشونت‌آمیز تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد اختلال در نهاد اقتصاد بر افزایش میزان جرائم خشونت‌آمیز تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد نهادهای غیراقتصادی میانجی اثر نهاد اقتصاد بر جرائم خشونت‌آمیز می‌شوند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر در زمره‌ی نوع درون‌کشوری^۱، پهنانگر، متغیر محور و مبتنی بر تحلیل آماری داده‌های ثانویه در مطالعات تطبیقی است. در این پژوهش داده‌های نهادی و خشونت در یک دوره‌ی زمانی ۱۶ ساله (۱۳۷۹-۱۳۹۴) برای مقایسه‌ی متغیرهای مربوط به آنومی نهادی و نیز جرائم خشونت‌آمیز در سطح ۲۸ استان کشور جمع‌آوری شده است. سطح تحلیل پژوهش، کلان است و قلمرو موضوعی آن آنومی نهادی در ایران و رابطه‌ی آن با متغیر وابسته‌ی تحقیق یعنی جرائم خشونت‌آمیز است. در تحلیل آماری ابتدا از رگرسیون یک متغیره و چند متغیره به روش گام‌به‌گام در آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. از آنجایی که مدل مورد استفاده در پژوهش حاضر، از نوع مدل واریانس محور است و برای اینکه برآورد مطمئن‌تری از پارامترهای مورد بررسی یعنی ضرایبی که نشان‌دهنده روابط بین متغیرهاست، به دست آید، داده‌ها به نرم‌افزار SmartPLS وارد شده و چون در این‌گونه مدل‌سازی، علاوه بر متغیر وابسته و مستقل، متغیرهای میانجی نیز حضور دارند که فرض بر این است که بخشی از یا تمام تأثیر متغیر مستقل بر وابسته به واسطه متغیرهای میانجی صورت می‌گیرد. لذا ارزیابی مدل‌ها با استفاده از PLS در دو مرحله صورت گرفته است: اول، ارزیابی روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری و دوم، ارزیابی مدل ساختاری.

جدول ۱: متغیرهای تحقیق و منابع نظری و تجربی آنها

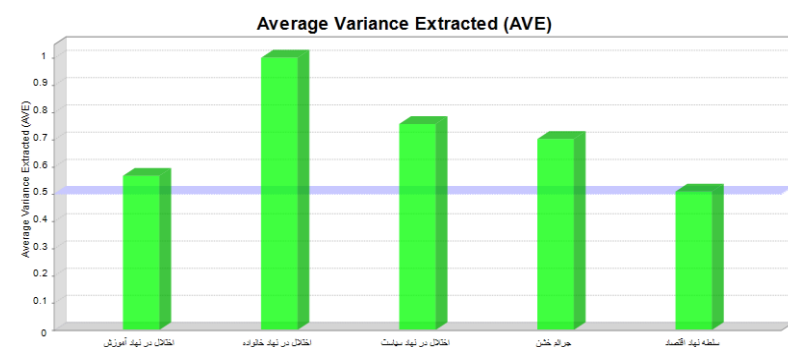
نوع متغیر	متغیرها	ابعاد	تعریف مفهومی متغیرها	منبع نظری و تجربی متغیرها	منبع اخذ آمار و اطلاعات	
وابسته	جرایم خشن	۱- میزان قتل عمد، ۲- میزان ضرب و جرح و ۳- سرقت	میزان جرم شاخصی است که از تقسیم تعداد جرم در هر مورد در سال بر جمعیت در آن سال، ضربدر ۱۰۰۰۰۰ می‌آید.	مسنر و روزنفلد، ۱۹۹۷؛ چملین و کوکران، ۱۹۹۵	مرکز آمار ایران، سالنامه آماری	
مستقل	اقتصاد	۱- ضریب جینی ^۱ ، ۲- نرخ بیکاری، ۳- تورم و ۴- درآمد سرانه	میزان بیکاری، ضریب جینی، میزان تورم و درآمد سرانه که مجموعاً نشان از فرصت دستیابی یا عدم دستیابی به اهداف را دارند.	چملین و کوکران، ۱۹۹۵؛ ماومه و لی، ۲۰۰۳؛ پیکوترو و شوئفر، ۱۹۹۸؛ شوئفر و پیکوترو، ۲۰۰۶؛ کوکران و بیرگارد، ۲۰۱۱؛ مسنر و روزنفلد، ۱۹۹۷	- بیکاری از: سالنامه آماری. ضریب جینی و درآمد سرانه و تورم از: بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی، بانک مرکزی	
	خانواده	۱- نرخ طلاق مربوط به جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر ^۲	اختلال و انومی در خانواده شاخصی است که از طریق محاسبه نرخ طلاق و نسبت طلاق محاسبه می‌شود.	چملین و کوکران، ۱۹۹۵؛ ماومه و لی، ۲۰۰۳؛ پیکوترو و شوئفر، ۱۹۹۸؛ شوئفر و پیکوترو، ۲۰۰۶؛ کوکران و بیرگارد، ۲۰۱۱	مرکز آمار ایران، سالنامه آماری	
	آموزش	سهم بخش خصوصی در آموزش و پرورش و آموزش عالی به عنوان مقیاس سنجش نفوذ ارزش‌های اقتصادی در آموزش و پرورش در نظر گرفته شد.	سهم بخش خصوصی در آموزش و پرورش و آموزش عالی	سهم بخش خصوصی در آموزش و پرورش عمومی و نیز در آموزش عالی به عنوان مقیاس سنجش نفوذ ارزش‌های اقتصادی در آموزش و پرورش در نظر گرفته شد.	هزینه‌های دولت از تولید ناخالص داخلی در آموزش، کوکران و بیرگارد،	درگاه ملی آمار، مرکز آمار ایران
	سیاست	درصد افراد در انتخابات رأی نداده‌اند	میزان عدم مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است.	چملین و کوکران، ۱۹۹۵؛ کوکران و بیرگارد، ۲۰۱۱؛ مسنر و روزنفلد، ۱۹۹۷	وزارت کشور	

۱. محققان از این شاخص برای اندازه‌گیری محرومیت نسبی یا نابرابری اقتصادی به عنوان شاخصی است که معرف مانع دستیابی به هدف‌های اقتصادی است، همچنین از میزان بیکاری به عنوان شاخص ضریب قدرت اقتصادی استفاده کرده‌اند. در این تحقیق از چندین شاخص استفاده شده است. چنانکه مسنر و روزنفلد ۱۹۹۷ و هانون و دی فرونزو ۱۹۹۸ و استاکی ۲۰۰۳ نیز از شاخص‌هایی با چندین معرف استفاده کرده‌اند.

۲. مسنر و روزنفلد، یکی از مؤثرترین سنجش‌های معرف اختلال در نهاد خانواده را نرخ طلاق معرفی کرده‌اند و در بسیاری از تحقیقات (مومه و لی، ۲۰۰۳ و گارتتر، ۱۹۹۰) به عنوان معرف نابسامانی خانواده نیز مورد استفاده قرار گرفته است. نرخ بالای طلاق نشانگر شکست خانواده هسته‌ای سنتی است.

جدول ۲: پایایی معرف‌ها - پایایی مرکب

پایایی مرکب	سازه و شاخص اندازه‌گیری
۰/۸۰	اختلال در نهاد اقتصاد
۰/۸۶	اختلال در نهاد آموزش
۰/۷۵	اختلال در نهاد سیاست
۱	اختلال در نهاد خانواده ^۱
۰/۸۸	خشونت



نمودار ۲: روایی همگرایی مدل

با توجه به نمودار فوق، میانگین واریانس استخراج شده متغیرهای مورد مطالعه بیشتر از ۰/۵ می‌باشد، بنابراین روایی همگرایی مدل تأیید می‌شود.

جدول ۳: روایی واگرایی مدل بر اساس معیار فورنل - لارکر

	جرم	اقتصاد	آموزش	خانواده	سیاست
جرم	۰/۸۳۸				
اقتصاد	۰/۲۶۳	۰/۷۱۳			
آموزش	-۰/۲۶۷	-۰/۴۶۶	۰/۷۵۳		
خانواده	۰/۷۷۲	۰/۲۲۰	-۰/۳۲۴	۱	
سیاست	۰/۳۴۵	۰/۱۵۳	-۰/۲۰۵	۰/۴۰۰	۰/۸۷۰

با توجه به جدول بالا جذر AVE بیشتر از همبستگی میان متغیرها می‌باشد، بنابراین روایی افتراقی مدل بر حسب معیار فورنل لارکر تأیید می‌شود. این بدان معنی است که ابزار اندازه‌گیری برای تعریف و تبیین سازه‌ها دارای همپوشانی نمی‌باشند.

جدول ۴: شاخص برازش مدل ساختاری، شاخص Q²

	آموزش	خانواده	سیاست	اقتصاد	جرم خشن
شاخص Q ²	-۰/۰۷۸	۱	۰/۲۶۲	۰/۲۴۳	۰/۳۹۴

۱. مقدار پایایی مرکب برای سازه‌های تک آئمی برابر یک است.

شاخص Q^2 در واقع توانایی پیش‌بینی مدل در سازه‌های درون‌زا را مشخص می‌کند. هینسلر و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار $0/02$ به‌عنوان توانایی پیش‌بینی کم، $0/15$ متوسط و $0/35$ قوی را تعیین نموده‌اند.

۵. یافته‌های پژوهش

جدول ۵: میانگین نرخ خشونت در ایران در دهه‌های ۷۰-۹۰

دهه	نرخ قتل عمد	نرخ خشونت (ضرب و جرح و ...)
دهه ۱۳۷۰	۳/۹	۲۰۲/۷۶
دهه ۱۳۸۰	۴/۲۲	۲۰۴/۲
دهه ۱۳۹۰	۴/۸۲	۲۲۷/۹۶

منبع: محاسبات محققان، به ازای یکصد هزار نفر جمعیت ۶۴-۱۵ ساله

اطلاعات جدول فوق روند نرخ خشونت را نشان می‌دهد که خشونت در تمامی شقوق مورد بررسی روندی افزایشی داشته‌اند.

جدول ۶: میانگین نرخ انواع جرم خشونت‌آمیز براساس استان در طول دوره مورد بررسی

استان	قتل عمد	ضرب و جرح	سرقت	جرایم خشونت‌آمیز
آذربایجان شرقی	۲/۰۶	۱۴۵/۷	۳۶۶/۳۴	۱۷۱/۳۷
آذربایجان غربی	۴/۲	۲۰۱/۶۳	۳۴۱/۳۱	۱۸۲/۳۲
اردبیل	۲/۱۰	۵۴۳/۶۹	۲۷۸/۸۴	۲۷۴/۸۸
اصفهان	۲/۸۸	۱۵۲/۰۹	۷۴۶	۳۰۰/۳۲
ایلام	۴/۶۸	۹۵/۸۵	۴۰۲/۱۱	۱۶۸/۸۸
بوشهر	۵/۶۶	۷۰/۹	۳۷۴/۷۹	۱۵۰/۴۵
تهران	۳/۰۵	۲۹۶/۵	۱۱۹۱/۶۵	۴۹۷/۰۷
چهارمحال بختیاری	۳/۶۳	۷۸۳/۴۸	۳۰۷/۴۴	۳۶۴/۸۵
خراسان رضوی	۳/۲۱	۲۱۳/۱۱	۶۹۱/۱۷	۳۰۲/۵
خوزستان	۴/۹۶	۱۰۹/۰۱	۴۵۹/۰۵	۱۹۱/۰۱
زنجان	۲/۳۶	۱۴۲/۲۲	۴۱۳/۴۲	۱۸۶
سمنان	۳/۶	۶۶۹/۹۶	۹۹۵/۱۳	۵۵۶/۲۳
سیستان و بلوچستان	۱۰/۶۲	۱۸۵/۶۵	۴۳۰/۵۳	۲۰۸/۹۴
فارس	۶/۱۲	۲۱۴/۲۹	۵۱۵/۴۳	۲۴۵/۲۸
قزوین	۲/۵۹	۱۱۰/۷۶	۶۲۹/۲۲	۲۴۷/۵۲
قم	۲/۸۶	۴۰۷/۰۸	۸۰۳/۰۷	۴۰۴/۳۳
کردستان	۳/۴۱	۱۷۹/۸۹	۳۹۸/۹۱	۱۹۴/۰۷
کرمان	۵/۸۹	۱۸۸/۳۴	۴۵۳/۶۱	۲۱۵/۹۵
کرمانشاه	۶/۴۳	۴۸/۱۸	۴۷۹/۵۸	۱۷۸/۰۶
کهگیلویه و بویراحمد	۳/۳۸	۳۹/۵۵	۶۰۰/۹۴	۲۱۴/۶۲
گلستان	۳/۲۵	۹۵/۱۲	۴۶۸/۶۱	۱۸۸/۹۹

۱۶۳/۵۸	۳۴۳/۰۲	۱۴۵/۲۹	۲/۴۳	گیلان
۱۵۱/۱۶	۳۸۵/۱۰	۶۲/۴۶	۵/۹۱	لرستان
۱۴۲/۳۴	۳۳۸/۸۲	۸۳/۱۱	۵/۰۹	مازندران
۲۴۲/۶۸	۵۶۴/۹۴	۱۵۹/۶۴	۳/۴۷	مرکزی
۲۲۲/۵۴	۴۷۵/۲۵	۱۸۶/۸۱	۵/۵۶	هرمزگان
۲۱۴/۸	۳۹۵/۸۲	۲۴۵/۲۷	۳/۳۱	همدان
۳۲۸/۲۲	۷۰۷/۱۲	۲۷۵/۰۴	۲/۵	یزد

منبع: محاسبات محققان، به ازای یکصد هزار نفر جمعیت ۶۴-۱۵ ساله

اطلاعات جدول فوق توزیع جرائم خشن در بین استان‌های کشور را نشان می‌دهد. همچنین دسته‌بندی استان‌ها براساس خوشه‌بندی به روش سلسله مراتبی نشان می‌دهد که استان تهران به تنهایی دارای بالاترین میزان جرائم خشونت‌آمیز و پس از آن استان‌های کرمانشاه، اصفهان، چهارمحال بختیاری، خراسان رضوی، فارس و سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی و غربی، لرستان، ایلام و خوزستان در گروه دوم و سایر استان‌های کشور در گروه سوم از نظر تراکم جرائم خشونت‌آمیز قرار دارند.

جدول ۷: میانگین نرخ انواع جرم خشونت‌آمیز براساس سال در طول دوره موردبررسی

سال	قتل	ضرب و جرح	سرقت	جرائم خشونت‌آمیز
۱۳۷۹	۳/۹	۲۵۱/۸۵	۲۷۷/۸۳	۱۷۷/۸۶
۱۳۸۰	۴/۱۷	۲۱۳/۷	۴۶۶/۹۹	۲۲۸/۲۸
۱۳۸۱	۵/۳۱	۱۸۴/۳۹	۲۱۸/۶۸	۱۳۶/۱۳
۱۳۸۲	۴/۶۹	۱۸۹/۸۶	۲۹۸/۴۹	۱۶۴/۳۵
۱۳۸۳	۴/۷۸	۲۰۸/۱۶	۲۹۶/۳۹	۱۶۹/۷۸
۱۳۸۴	۴/۸۹	۲۱۰/۲۹	۲۸۹/۲۴	۱۶۸/۱۳
۱۳۸۵	۴/۲۶	۱۹۸/۴	۲۸۰/۷۴	۱۶۹/۹۸
۱۳۸۶	۳/۹۸	۱۹۵/۲۶	۱۹۶/۹	۱۳۲/۰۴
۱۳۸۷	۴/۶۲	۱۹۷/۲۲	۲۳۹/۷۲	۱۴۷/۱۸
۱۳۸۸	۳/۹۷	۱۸۸/۶۱	۷۰۰/۴۴	۲۹۷/۶۶
۱۳۸۹	۴/۶	۲۱۴/۹۳	۶۹۰/۹۰	۳۰۳/۴۸
۱۳۹۰	۳/۳۲	۷۶/۸۶	۷۵۰/۱	۲۷۶/۷۳
۱۳۹۱	۳/۷۳	۲۰۵/۰۱	۶۳۹/۲۱	۲۸۲/۶۵
۱۳۹۲	۳/۵۶	۲۱۷/۲۴	۹۸۳/۲۹	۴۰۱/۳۶
۱۳۹۳	۳/۵۳	۳۱۳/۶	۱۱۵۸/۰۷	۴۵۸/۴
۱۳۹۴	۴/۸۹	۳۹۸/۸۹	۱۳۵۷/۸۳	۴۵۸/۵۴

منبع: محاسبات محققان، به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت ۶۴-۱۵ ساله

اطلاعات جدول فوق توزیع جرائم خشن در سال‌های موردبررسی را نشان می‌دهد. همچنین دسته‌بندی سال‌های موردبررسی از نظر توزیع جرائم خشن براساس خوشه‌بندی به

روش سلسله مراتبی نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ ارتکاب جرم خشن بیشتر از بقیه سال‌های مورد بررسی بوده است.

جدول ۸: مقادیر ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته جرائم خشونت‌آمیز

متغیر وابسته								متغیرهای مستقل	
خشونت کل		سرقت		ضرب و جرح		قتل			
sig	r	sig	r	sig	r	sig	r		
۰/۳۸۶	۰/۰۴۱	۰/۰۰۰	**۰/۶۵۶	۰/۰۰۰	**۰/۴۳۸	۰/۰۰۰	**۰/۵۸۳	طلاق	خانواده
۰/۳۷۳	۰/۰۴۲	۰/۳۵۳	۰/۰۴۴	۰/۹۲۳	-۰/۰۰۵	۰/۲۴۰	۰/۰۵۶	نسبت طلاق	
۰/۰۹۶	-۰/۰۷۹	-۰/۰۸۶	-۰/۰۸۱	۰/۰۲۰	*-۰/۱۱۰	۰/۰۰۰	**۰/۲۸۳	میزان عدم رأی در انتخابات مجلس	سیاست
۰/۰۰۰	**۰/۱۶۶	۰/۰۰۰	**۰/۱۷۰	۰/۱۱۰	-۰/۰۷۶	۰/۲۴۷	۰/۰۵۵	میزان عدم رأی در انتخابات ر. ج	
۰/۴۱۵	۰/۰۳۹	۰/۵۵۸	۰/۰۲۸	۰/۰۲۰	*۰/۱۱۰	۰/۰۰۰	**۰/۱۹۸	سهم بخش خصوصی در آموزش پ	آموزش
۰/۰۲۱	*۰/۱۰۹	۰/۰۶۲	-۰/۰۸۸	۰/۰۱۰	*-۰/۱۷۷	۰/۰۰۹	**۰/۱۲۴	سهم بخش خصوصی در آ. عالی	
۰/۱۷۰	۰/۰۶۵	۰/۳۶۹	۰/۰۴۳	۰/۰۳۹	*۰/۰۹۸	۰/۰۰۰	**۰/۲۶۵	میزان بیکاری	اقتصاد
۰/۰۰۱	**۰/۱۵۲	۰/۰۰۰	**۰/۱۴۰	۰/۲۲۳	۰/۰۵۸	۰/۰۵۴	*۰/۱۸۴	میزان تورم	
۰/۰۰۰	**۰/۳۳۷	۰/۰۰۰	**۰/۲۹۱	۰/۰۰۰	**۰/۳۴۵	۰/۰۰۰	*-۰/۱۷۶	درآمد سرانه	
۰/۰۷۷	۰/۰۸۴	۰/۲۰۱	۰/۰۶۰	۰/۰۰۰	**۰/۱۴۱	۰/۵۱	***۰/۱۰۶	ضریب جینی	

* معناداری در سطح ۰/۰۵، ** معناداری در سطح ۰/۰۱

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقل تحقیق، متغیرهای طلاق، میزان عدم رأی در انتخابات مجلس، سهم بخش خصوصی در ارزش افزوده آموزش و پرورش و آموزش عالی، میزان بیکاری و درآمد سرانه با متغیر وابسته قتل عمد و نیز متغیرهای طلاق، میزان عدم رأی در انتخابات مجلس، سهم بخش خصوصی در ارزش افزوده آموزش و پرورش و آموزش عالی، میزان بیکاری، درآمد سرانه و ضریب جینی با متغیر وابسته ضرب و جرح و همچنین متغیرهای طلاق، میزان عدم رأی در انتخابات ریاست جمهوری، میزان تورم و درآمد سرانه با متغیر وابسته سرقت دارای رابطه معنادار بوده‌اند. از ترکیب جرائم سه‌گانه شاخص جرائم خشونت‌آمیز ایجاد و آزمون ضریب همبستگی نشان داد که بین میزان عدم رأی دادن در انتخابات ریاست جمهوری، سهم بخش خصوصی در آموزش عالی، میزان تورم و درآمد سرانه رابطه معناداری وجود دارد و سایر متغیرها با جرائم سه‌گانه و خشونت کلی دارای رابطه معناداری نبودند.

جدول ۹: خلاصه معادلات رگرسیونی و ضرایب متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته جرائم خشونت‌آمیز

متغیر وابسته: جرائم خشونت‌آمیز												متغیرهای مستقل
معادله ۳: متغیر وابسته سرقت				معادله ۲: متغیر وابسته قتل				معادله ۱: متغیر ضرب و جرح				
Sig.	Beta	s.e	B	Sig.	Beta	s.e	B	Sig.	Beta	s.e	B	
۰/۰۰۰	۰/۶۲۲	۰/۱۹۳	۳/۱۸۸	۰/۰۰۰	۰/۶۱۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	۰/۶۶۱	۰/۰۳۵	۰/۶۵۹	طلاق
۰/۰۰۶	۰/۱۰۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۱۴	-۰/۱۰۷	۰/۰۰۰	-۱/۴۰۹	۰/۰۰۳	۰/۱۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	درآمد سرانه
-	-	-	-	۰/۰۰۳	۰/۱۳۷	۵۹/۰۳۶	۱۷۴/۵۷۳	-	-	-	-	ضریب جینی
-	-	-	-	۰/۰۳۰	-۰/۰۹۸	۰/۵۳۱	-۱/۱۵۹	-	-	-	-	نرخ تورم
-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۰۱۳	۰/۰۸۵	۳۹/۴۰۴	۷۳/۵۵۵	بیکاری
۰/۰۱۶	-	۱۴۷۷/۹۹۸	-۱۷۷۹/۳۵۴	۰/۰۲۸	-	۱۰/۷۵۸	۲۳/۶۵۷	۰/۰۰۲	-	۵۹۴/۵۳۹	-۷۶۷/۶۹۵	constant
۰/۶۶۴				۰/۵۹۹				۰/۷۱۴				R
۰/۴۴۰				۰/۳۵۹				۰/۵۱۰				R-square
۰/۰۰۰				۰/۰۳۰				۰/۰۱۳				Sig.

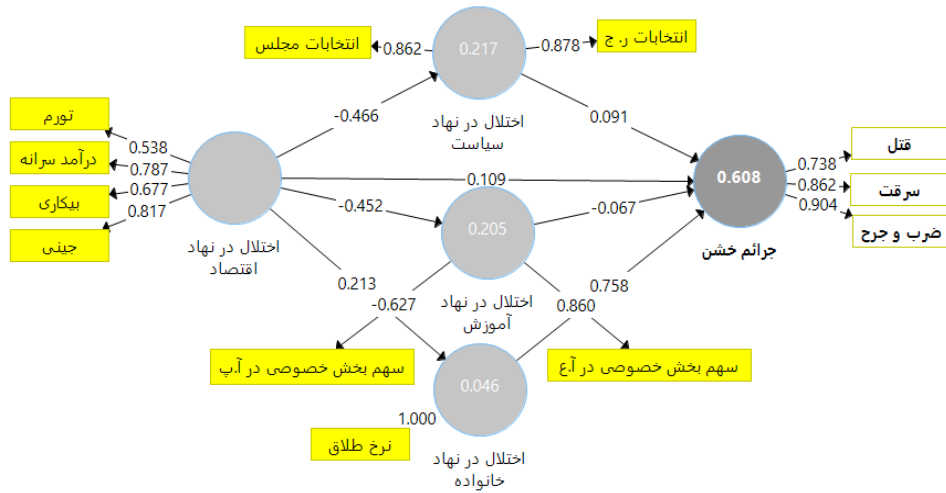
۱- همان‌گونه که در مدل نهایی فوق مشخص است، نتایج رگرسیونی متغیر وابسته ضرب و جرح نشان می‌دهد که ضرایب طلاق، درآمد سرانه و بیکاری به ترتیب $0/08$ ، $0/661$ ، $0/108$ و $0/085$ است که هر سه از نظر آماری معنادار هستند. مدل ارائه‌شده ۵۱ درصد تغییرات ایجاد شده در خشونت (ضرب و جرح) را تبیین می‌کند که از لحاظ آماری مقدار مطلوبی است و با توجه به نتایج تحلیل بیشترین تأثیر بر خشونت ضرب و جرح را به ترتیب طلاق، درآمد سرانه و بیکاری دارند.

۲- همان‌گونه که در مدل نهایی فوق مشخص است، نتایج رگرسیونی متغیر وابسته قتل نشان می‌دهد که ضرایب مسیر طلاق، درآمد سرانه، ضریب جینی و تورم به ترتیب $0/107$ ، $0/137$ و $0/098$ است که هر چهار از نظر آماری معنادار هستند و مدل ارائه‌شده $35/9$ درصد تغییرات ایجاد شده در خشونت قتل را تبیین می‌کند که از لحاظ آماری مقدار مطلوبی است و با توجه به نتایج تحلیل بیشترین تأثیر بر قتل را به ترتیب طلاق، درآمد سرانه، ضریب جینی و تورم دارند.

۳- همان‌گونه که در مدل نهایی فوق مشخص است، نتایج رگرسیونی متغیر وابسته سرقت نشان می‌دهد که ضرایب بتای استاندارد طلاق معادل $0/622$ و مقدار بتا برای درآمد سرانه $0/104$ است که این دو نیز از نظر آماری معنادار هستند و مدل ارائه‌شده ۴۴ درصد از تغییرات ایجاد شده در جرم سرقت را تبیین می‌کند که از لحاظ آماری مقدار مطلوبی است و با توجه به نتایج تحلیل بیشترین تأثیر بر سرقت را به ترتیب طلاق و درآمد سرانه دارند.

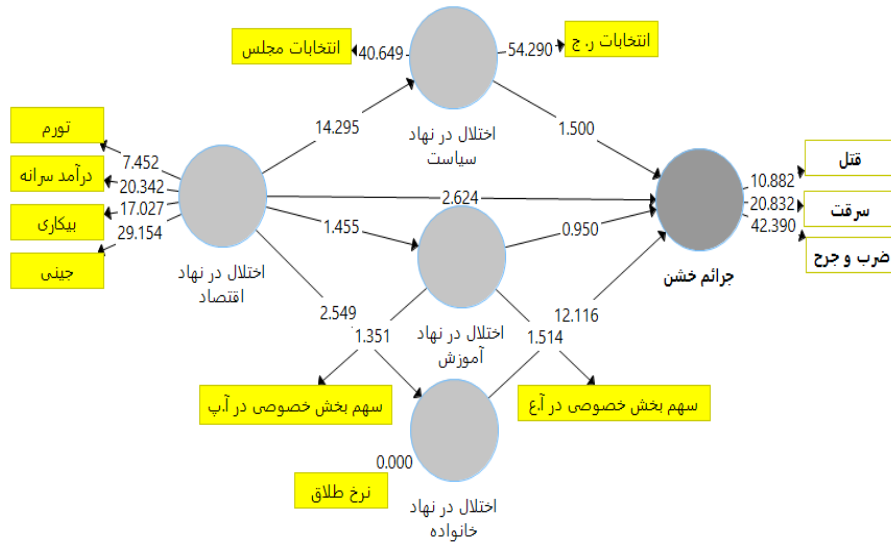
ارزیابی مدل معادلات ساختاری پژوهش

برای تعیین مقدار اثر مستقیم و اثر غیرمستقیم متغیرهای نهادی تحقیق بر جرائم خشونت‌آمیز (قتل، ضرب و جرح، سرقت) با استفاده از امکانات مدل‌سازی معادلات ساختاری نرم‌افزار Smartpls به ارزیابی مدل تحقیق پرداخته شده است.

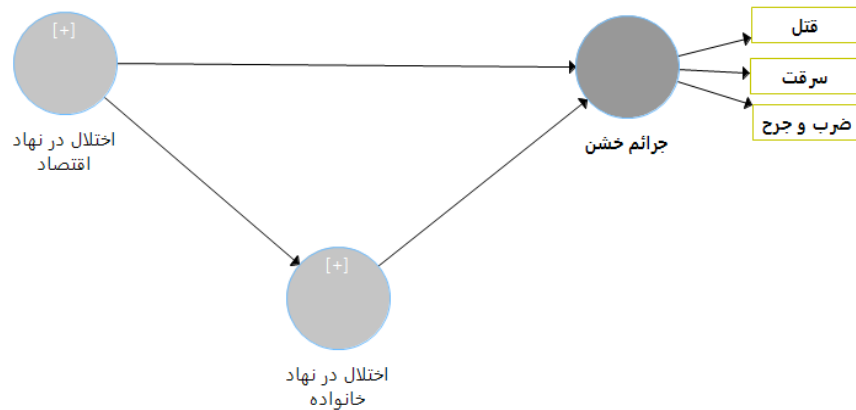


نمودار ۳: آزمون محاسبه ضرایب مسیر مدل

با توجه به نمودار بالا در بین سازه‌های تعریف شده برای تبیین خشونت، اختلال در نهاد خانواده و سپس اختلال در نهاد اقتصاد بیشترین تأثیر و اختلال در نهاد آموزش و اختلال در نهاد سیاست کمترین تأثیر را دارند.



نمودار ۴: آزمون معناداری مدل ساختاری تحقیق



نمودار ۵: پیش‌بینی کننده‌های نهایی معنادار مدل

با توجه به اینکه ضریب تعیین برای متغیر خشونت (ضرب و جرح و قتل و سرقت) برابر ۰/۶۱ شده است و از آنجاکه آزمون نهایی این متغیر (نمودار ۴) نشان می‌دهد که تنها دو پیش‌بینی کننده معنی‌دار در مدل دارد (نمودار ۵)؛ بنابراین مقدار آن در سطح بالا و قابل توجه می‌باشد و این ضریب نشان می‌دهد که منیع حدود ۶۱ درصد از واریانس متغیر وابسته یا ملاک تحت تأثیر واریانس متغیرهای مستقل یا پیش‌بین است. محاسبه شاخص ارزیابی مدل نهایی یعنی GoF که نشان می‌دهد که تا چه اندازه داده‌ها با مدل نظری هماهنگ هستند، عدد به دست آمده ۰/۳۱ است که نشان‌دهنده برازش تقریباً خوب مدل تحقیق است زیرا هر چه GoF بزرگ‌تر باشد حمایت داده‌ها از مدل بیشتر است. آذر و غلامزاده (۱۳۹۵) میزان ۰/۱۰ را برازش ضعیف، ۰/۲۵ را برازش متوسط و ۰/۳۶ را برازش خوب می‌دانند^۱.

بحث و نتیجه‌گیری

نقش عوامل اقتصادی در میزان جرائم خشونت‌آمیز همواره مورد توجه و بررسی محققان بوده است و در تحقیق حاضر نیز مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عامل اقتصادی تحت عنوان اختلال در نهاد اقتصاد مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از این است که برخی از معرف‌های مربوط به متغیرهای اقتصادی از قبیل درآمد سرانه و میزان بیکاری، اثرات

$$GoF = \sqrt{Com \times R_{tesser}^2}$$

۱- فرمول محاسبه شاخص

بیشتری بر میزان جرم خشونت (ضرب و جرح) در دوره مورد بررسی داشته‌اند. یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهند که عامل طلاق به‌عنوان معرف اختلال در نهاد خانواده بیشترین تأثیر را بر جرم خشونت (ضرب و جرح) دارد و اختلال در نهاد خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده میزان خشونت در جامعه در دوره مورد بررسی است. نتایج آزمون‌های رگرسیونی نیز نشان می‌دهد که منبع حدود ۵۱ درصد از واریانس متغیر وابسته یا ملاک خشونت (ضرب و جرح) تحت تأثیر واریانس متغیرهای مستقل یا پیش‌بین است.

نتایج تحلیلی مربوط به جرم قتل حاکی از این است که از میان متغیرهای اقتصادی درآمد سرانه، ضریب جینی و تورم به‌ترتیب بیشترین تأثیر را بر جرم قتل دارند و بیشترین اثر متغیرهای اقتصادی در تحقیق حاضر بر جرم قتل بوده است. همچنین اثر عامل طلاق در ارتکاب جرم قتل دارای بیشترین اثر بوده است بدین معنی که هرچقدر اختلال در نهاد خانواده بیشتر باشد، بر میزان جرم قتل افزوده می‌شود. نتایج حاصل از آزمون‌های رگرسیونی تحقیق نیز حاکی از این است که منبع حدود ۳۵ درصد از واریانس متغیر وابسته یا ملاک خشونت (قتل) تحت تأثیر واریانس متغیرهای مستقل یا پیش‌بین است.

نتایج تحلیلی مربوط به جرم سرقت حاکی از این است که از میان متغیرهای اقتصادی، فقط درآمد سرانه بیشترین تأثیر را بر جرم سرقت دارد. همچنین اثر عامل طلاق در ارتکاب جرم سرقت دارای بیشترین اثر بوده است بدین معنی که هرچقدر اختلال در نهاد خانواده بیشتر باشد، بر میزان جرم سرقت افزوده می‌شود. نتایج حاصل از آزمون‌های رگرسیونی تحقیق نیز حاکی از این است که منبع حدود ۴۴ درصد از واریانس متغیر وابسته یا ملاک سرقت تحت تأثیر واریانس متغیرهای مستقل یا پیش‌بین است.

یافته‌های پژوهش نشان از همخوانی الگوی جرائم خشونت‌آمیز در ایران با برخی از نظریه‌های مرتبط با موضوع مورد بررسی دارد؛ زیرا پژوهش‌های دیگری نیز این واقعیت را که «نابرابری درآمد می‌تواند موجب تضاد توزیعی در جامعه شود را تأیید می‌کنند و یکی از شکل‌های ظاهر شدن این تضادها تضاد انتشاری مانند ضرب و جرح و قتل است (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۱۰). نتایج تجربی تحقیق حاضر همچنین با یافته‌های چملین و کوکران (۱۹۹۵) مبنی بر اینکه ضعف نهادهای غیراقتصادی، اثرات متغیرهای اقتصادی بر جرم را افزایش می‌دهد، همچنین با یافته‌های کیم و پرایدمور (۲۰۰۵) مبنی بر اثرات مستقیم میزان استحکام خانواده و سیاست بر میزان‌های قتل» و بی‌یرگارد و کوکران (۲۰۰۸ a) و (جنسن، ۲۰۰۲) مطابقت دارد. چملین و کوکران (۱۹۹۵) دریافتند که بهبود شرایط اقتصادی زمانی

می‌تواند منجر به کاهش نرخ جرم شوند که همزمان نهادهای غیراقتصادی تقویت شوند. همچنین نتیجه مطالعه بی‌یرگارد و کوکران (۲۰۰۸) گزاره‌های نظریه آنومی نهادی را مبنی بر اینکه با ضعیف شدن نهادهای غیراقتصادی میزان جرائم قتل و دزدی بالا می‌رود را تأیید کرده است و با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد چون در تحقیق حاضر نیز رابطه نهادهای غیراقتصادی با جرم مثبت بوده ولیکن رابطه اختلال در نهاد خانواده با تمامی شکل‌های جرائم خشونت‌آمیز معنادار بوده است.

همچنین یافته‌های تحقیق با نتایج تحقیق یوسفوند (۱۳۹۴) تحت عنوان تبیین رابطه جرائم خشونت‌آمیز با توسعه اقتصادی-اجتماعی استان‌ها، همخوان است. نتایج تحقیق یوسفوند نیز نشان داده است که میزان بیکاری و نابرابری درآمد در افزایش جرائم خشن بیشترین نقش را دارند و نیز میزان سرقت در استان‌های برخوردار بیش از استان‌های غیربرخوردار و میزان خشونت ضرب‌وجرح به عکس در استان‌های غیربرخوردار کمتر است و در تحقیق حاضر نیز چنین روندی مشاهده شده است.

به عقیده فرجاد (۱۳۷۱)، توزیع ناعادلانه درآمد در جامعه و نوسانات اقتصادی موجب بزهکاری اجتماعی می‌گردد و در تحقیق حاضر نیز نقش نوسانات اقتصادی چون تورم و تفاوت میزان درآمد سرانه بین استان‌ها در میزان‌های جرم به‌ویژه جرائم قتل و ضرب‌وجرح معنادار بوده است. نتایج این تحقیق در موضوع رابطه متغیر بیکاری و میزان طلاق با جرم با نتایج مطالعه محسنی تبریزی و سلیمانی (۱۳۸۹) همخوانی دارد.

نتایج کلی حاصل از این تحقیق با نتیجه مطالعه کیم و پرایدمور (۲۰۰۵) که در مطالعه جامعه روسیه پس از فروپاشی شوروی انجام شده است و بر آن است که مطابق با تفسیر مجدد شکل‌های ناپهنجار تقسیم‌کار دورکیم، مبنی بر اینکه عدم تعادل بین بخش ساختاری و اقتصادی با بخش فرهنگی ناشی از تغییرات سریع در بخش اقتصادی یا سیاسی و عدم توانایی بخش فرهنگی منجر به عدم شکل‌گیری هنجارهای ملازم با آن شده و همین موضوع منجر به افزایش جرم و جنایت می‌شود، همخوانی دارد زیرا آنان نیز نشان می‌دهند که در نتیجه تغییرات مزبور در جامعه روسیه و تنزل جایگاه ارزش‌های جمع‌گرایانه و کاهش اهمیت خانواده، گرایش به فردگرایی و اهمیت یافتن ثروت‌اندوزی و ... در مجموع به عدم سازگاری میان بخش‌های اقتصادی و اجتماعی منجر گشته است که مؤید نظریه تقسیم‌کار نابسامان دورکیم است و در این تحقیق یافته‌های مربوط به جامعه ایران به‌ویژه از دهه هفتاد تاکنون همراستا و همداستان با چنین روندی است.

از نظر دور‌کیم در نتیجه‌ی تغییرات سریع اجتماعی، گسستن و تضعیف پیوندها در جوامع مدرن می‌تواند منجر به آنومی شود. آنومی به یک ویژگی ساختار اجتماعی اشاره دارد که نتیجه درهم‌ریختگی و ناتوانی جامعه در تنظیم رفتار افراد است و خود محصول تغییرات اجتماعی سریع در ساختارهای اجتماعی است. همچنین، با توجه به اینکه جامعه ایران در هفت دهه‌ی گذشته شاهد تغییرات شتابان ناشی از برنامه‌ی نوسازی دوره‌ی پهلوی، وقوع انقلاب اسلامی، وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله، برنامه‌های بازسازی و نوسازی اقتصادی، تحریم‌های همه‌جانبه اقتصادی در دهه گذشته، رشد سریع جمعیت در دهه ۶۰، رشد شهرنشینی شتابان، رشد جمعیت تحصیل‌کرده دانشگاهی و ... و از سوی دیگر رشد بسیار زیاد آمارهای جرم به‌طور کلی و خشونت به‌طور خاص از دهه هفتاد شمسی تاکنون، همگی شواهدی بر وجود آنومی مورد نظر دور‌کیم هستند. نرخ بالای بیکاری، نرخ ضریب جینی، نرخ متفاوت درآمد سرانه در بین استان‌ها و تبعاً در بین اقشار مختلف اجتماعی، بیکاری بالای تحصیل‌کردگان دانشگاهی، سهم بالای بخش خصوصی و خانواده‌ها در آموزش عالی و عمومی به‌عنوان عوامل ساختاری مؤثر بر راه‌های دستیابی به هدف و موانع ساختاری، مؤید نشان از ضعیف شدن و ناتوانی نهادهای اجتماعی غیراقتصادی در کنترل جرم بوده است که می‌توان آن را پیامد توسعه‌ی تک‌بعدی، سخت‌افزارانه، نامتوازن، تکنوکراتیزه‌شده، اقتصادمحور و مبتنی بر عقلانیت ابزاری و به تعبیر هابرماس محصول استعمار و غلبه‌ی نظام بر زیست‌جهان دانست.

تغییرات سریع ارزش‌های اجتماعی و از همه مهم‌تر جهت‌های متفاوت و بعضاً متضاد تغییرات ارزشی در چند دهه‌ی اخیر؛ افزایش و تداوم شکاف طبقاتی در جامعه ناشی از یا تثبیت و تشدید شده توسط برنامه‌های موسوم به توسعه توسط دولت‌های قبل و بعد از انقلاب بر افزایش جرم در جامعه مؤثر بوده است. به‌عنوان نمونه، براساس پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های جوانان (۱۳۹۲)، ۷۵/۹ درصد معتقدند که در شرایط فعلی هر کس باید به فکر خودش باشد. در حقیقت، فردگرایی خودپرستانه، نوعی از خودپرستی و جباریت است که فرد را وامی‌دارد که در هر موقعیتی همه چیز را برای خود بخواهد و با قائل شدن محوریت تام برای خویش، صرفاً منفعت شخصی خود را بدون توجه به نفع دیگری، جستجو کند که این نوع فردگرایی به اعتقاد توکویل «بذر هرفضیلتی را خاک می‌کند» (کیویستو، ۱۳۷۸: ۱۲۲). اکنون به نظر می‌آید که در جامعه‌ی ایران با وضعیتی مواجه هستیم که در آن افراد بخش عمده‌ای از توان و ظرفیت خود را برای کسب موفقیت‌های فردی به خدمت

می‌گیرند. وجود نوعی ولع موفقیت در زمینه‌های مالی و منزلتی در جامعه‌ی ایران قابل‌رؤیت است. میل زیاد به کسب پول از مسیرهای مشروع و نامشروع و خیل انبوه متقاضیان اخذ مدارک دانشگاهی برای ارتقاء منزلت، نماگر عناصری از رؤیای موفقیت‌طلبی‌اند که بخش عمده‌ای از فضای زیست ایرانی را تشکیل می‌دهند. این نوع خصیصه‌ی فرهنگی دلالت بر فردگرایی خودخواهانه و فروپاشنده دارد. معیدفر نیز به تجربه‌ی تاریخی ایران و بی‌ثباتی همیشگی در گذشته‌های دور و نزدیک اشاره می‌کند که در نتیجه آن، ایرانی‌ها بیش از هر ملتی، شیوه‌های حل فردی دسترسی به اهداف و ارزش‌های اساسی را آموخته‌اند (۱۳۸۰). براساس یافته‌های این تحقیق، دگرگونی ارزشی و تغییرات در میزان اهمیت ارزش‌های مادی در جامعه، افزایش میزان اهمیت پول و ثروت و رشد زیاد فردگرایی (محسنی، ۱۳۷۶؛ وزارت ارشاد، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰؛ غفاری، ۱۳۸۷؛ موسوی، ۱۳۸۵) و ارزیابی منفی شهروندان از سازمان‌های دینی، بازار و دولت (پیمایش ملی سرمایه اجتماعی، ۱۳۹۳) و ... رشد بالای میزان خشونت در جامعه دال بر کفایت نسبی استفاده از نظریه آنومی نهادی در ایران برای تبیین جرائم خشونت‌آمیز است.

محدودیت‌های تحقیق

۱- از آنجایی که غالب داده‌های گردآوری‌شده برای تحلیل در این تحقیق، داده‌های ثانویه‌ای هستند که عمدتاً توسط سازمان‌ها دولتی گردآوری‌شده‌اند لذا محقق اذعان دارد که اشکالات و انتقادات وارد بر داده‌هایی از این دست بر این داده‌ها نیز وارد است.

۲- اولین چالش مهم فراروی محقق، عملیاتی کردن ادعاهای بسیار انتزاعی این نظریه برای تمهید آزمون تجربی آن بوده است که مسنر و روزنفلد خودشان نیز بدان اذعان داشته‌اند اما باین‌وجود نویسندگان هیچ‌گونه راهنمایی‌ای در مورد مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن ساختارهای اصلی نظریه‌شان به عمل نیاورده‌اند.

پیشنهاد‌های اجرایی و سیاستی

۱- با وجودی که نتایج تجربی این تحقیق بیانگر حمایت متوسط به بالا از این نظریه در ایران است باین‌وجود ارتباط متغیرهای آشکار و پنهان نهاد‌های چهارگانه با متغیر وابسته، مثبت و در مواردی برای هر کدام از شقوق خشونت معنادار بوده است و نشان داد که برخی از نهاد‌های اجتماعی نظیر خانواده و آموزش دچار اختلال بوده یا برای برآورده ساختن

اقتضائات حیات روزمره تحت فشارند و استحکام آن‌ها در حال فرسایش است لذا یک راه‌حل برای اصلاح شرایط وقوع جرم و روند جرم‌خیزی، تقویت نهادهای غیراقتصادی برای رسیدن به تعادل عادلانه‌تر با اقتصاد است.

۲- به نظر می‌آید گرانباری کارکردهای نهاد خانواده به‌عنوان پناهگاه نهایی فرد در مقابل مشکلات محنت‌بار اقتصادی در دهه‌ی اخیر بر تضعیف استحکام آن اثرگذار بوده باشد که نقش بایسته‌ای را در تعدیل فشار نهاد اقتصاد بر افراد برای بازداشتن آنان از ارتکاب جرم ایفا نموده است.

۳- خشونت اقتصادی یا سرقت در طول دوره موردبررسی بیشترین بسامد و بیشترین شدت رشد را داشته است که قابل‌بررسی و توجه بیشتر نیز هست. میزان بیکاری فرساینده به‌ویژه در بین تحصیل‌کردگان و در تمامی استان‌ها توجه خاصی را به موضوعات رفاه اجتماعی و اشتغال می‌طلبد و در سیاست‌گذاری‌ها توجه بیشتری به توسعه متوازن کشوری شود و ایجاد فرصت‌های کار و افزایش کیفیت زندگی اقشار و طبقات ضعیف جامعه موردتوجه قرار گیرد.

منابع

- آذر، عادل و غلامزاده، رسول. (۱۳۹۵). *مدل‌سازی معادلات ساختاری کمترین مربعات جزئی*، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی در شهر تهران*، تهران: انتشارات سروش.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آن.
- کوثری، مسعود. (۱۳۸۲). «آنومی اجتماعی و اعتیاد به مواد مخدر»، *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، دوره ۲، شماره ۵، ۳۰-۱۳.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۷۶). «نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران»، *مجله نمایه پژوهش*، شماره دوم، ۲۹-۲۶.
- محسنی تبریزی، علیرضا و سلیمانی، مهدی. (۱۳۸۹). «تبیین رابطه بین تغییرات اجتماعی - فرهنگی و تغییرات میزان جرم (مطالعه موردی: استان لرستان)»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، دوره جدید، شماره ۲۴، ۳۶-۱۳.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). *درگاه ملی آمار*، بازیابی از [XLamar.org.ir](http://amar.org.ir) > Portals > Files > R_web_report_79-91(value)
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۳). *سالنامه آماری*، بازیابی از <http://amar.sci.org.ir/PlanList.aspx>
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. (۱۳۹۳). *آینده‌پژوهی ایران*، تهران: آینده‌بان، رسانه تخصصی آینده‌پژوهی، انتشار دیجیتالی.
- معیدفر، سعید. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر در ایران*، تهران: ناشر سرزمین ما.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۰). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور، ویرایش اول، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۲). *رفتارهای فرهنگی ایرانیان*، یافته‌های طرح پژوهشی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در کل کشور، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۹۵). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان موج سوم* (۱۳۹۴)، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی.
- Beth Bjerregaard, John K. Cochran (2008). "Want Amid Plenty: Developing and Testing a Cross-National Measure of Anomie", *IJCIV*, Vol. 2(2), 182-193.
- Chamlin, M. B., Cochran, J. K. (1995). "Assessing Messner and Rosenfeld's Institutional Anomie Theory: A Partial Test". *Criminology*, 33: 411-429.
- Jensen, G. (2002). "Institutional anomie and societal variations in crime: A critical appraisal". *International Journal of Sociology and Social Policy*, 22(7/8), 45-74.
- Maume, Michael O., Lee, Matthew, R. (2003). "Social Institutions and Violence: A Sub-National Test of Institutional Anomie Theory", *CRIMINOLOGY*. Volume 41, 4, 1137-1172.
- Merton, Robert K. (1968). *Social theory and social structure*, New York: The Free Press.

- Messner, S. F. (1997). *Crime and the American Dream*, 2nd ed. Belmont, CA: Wadsworth
- Messner, S. F., Rosenfeld, R. (2001). In: Cote, Suzette (2002): *Criminological Theories*, Bridging the past to the future, Sage Publication.
- Piquero, A., N. L. Piquero. (1998). "On Testing Institutional Anomie Theory with Varying Specifications", *Studies on Crime and Crime Prevention*, 7: 61-84.
- Pridemore, W. A. (2003a). "Demographic, Temporal, and Spatial Patterns of Homicide Rates in Russia", *European Sociological Review*, 19, 41-59.
- Kim, S. W. and Pridemore, W. A. (2005). *Social change, institutional anomie and serious property crime in transitional Russia*, *British Journal of Criminology* 45, 81-97.
- Savolainen, J. (2000). "Inequality, Welfare State, and Homicide: Further Support for the Institutional Anomie Theory". *Criminology*, 38, 1021-1042.
- Tushima, M. (2000). "Economic structure and Crime: The Case of Japan", *Journal of Socio-Economic*, Vol. 25, No. 4, 497-515.
- Wareham, Jennifer J. (2005). *Strain, personality traits, and deviance among adolescents: Moderating factors*, Graduate Theses and Dissertations.
- World Health Organization (2014). *Global status report on violence prevention*, WHO published, preventing suicide: a global imperative 3 in (2014).